

بررسی وضعیت طلاق در استان تهران طی سالهای اخیر

زینب امیدی*

سیدکمال الدین موسوی**

چکیده

تحقیق پیش رو نگاهی به آخرین وضعیت طلاق در استان تهران و شهرهای آن دارد، موضوعی که ضرورت پرداختن به آن را می باید در روند رو به رشد طلاق در پایتخت بویژه در دهه اخیر دانست. طلاق همچنان از مهم ترین آسیب های اجتماعی کشور است و به روز رسانی شناخت ها در این رابطه می تواند زمینه مناسبی را برای درک بهتر ابعاد مساله و تصحیح برداشت ها و باورهای قالبی از آن فراهم کرده و به ارتقای فرهنگ جامعه و سالم سازی محیط به ویژه پیشگیری از پیامدهای طلاق یاری رساند. نوع پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و روش تحقیق نیز روش مطالعه اسنادی و کتابخانه ای است. علت اصلی در انتخاب این روش وجود شرایط اپیدمییک بیماری کرونا و دشواری انجام پیمایش در میان افراد جامعه طی یکی دو سال اخیر بوده است. بررسی داده های سالنامه های آماری 98-1392 نشان می دهند میزان عمومی طلاق در استان تهران بطور جدی بالاتر از میانگین کشوری است. اکثر طلاق های این استان در فصل تابستان بویژه مرداد ماه رخ می دهند. دیگر آنکه کمترین میزان طلاق در فصل بهار، بویژه فروردین ماه صورت گرفته و نقطه اوج طلاق ها هم برای مردان و هم زنان در سنین 30 تا 34 سالگی قابل ملاحظه است. بعلاوه، حجم بالایی از طلاق در زن و شوهرهای هم سن و یا با یکی دو سال تفاوت سنی به نفع شوهر صورت گرفته است. پس از این گروه، میزان طلاق در زن و شوهرهایی که بیش از 15 سال سابقه زندگی زناشویی داشته اند نیز حجم قابل توجهی را تشکیل می دهد، واقعیتی که شایسته تامل و تحقیقات موشکافانه تری در آینده خواهد بود.

واژگان کلیدی: زوج و زوجه، میزان عمومی طلاق، استان تهران، فاصله سنی زوجین

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته پژوهش اجتماعی دانشگاه کاشان **ایمیل؟**

** استادیار جامعه شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) okna8062@yahoo.com

+++

مقدمه

خانواده، به عنوان اولین نهاد جامعه پذیری و کهن ترین هسته طبیعی بشری، در همه جوامع انسانی از ابتدای تاریخ وجود داشته و بشر تاکنون تقریباً نتوانسته است جایگزینی برای آن بیابد. طبعاً ازدواج مبنای شکل گیری خانواده و طلاق سبب اضمحلال آن می شود. طلاق نیز یک رویداد مهم حیاتی و بارزترین شاخص آشفتگی زناشویی است. در حقوق مدنی ایران، طلاق عبارت است از انحلال عقد نکاح در حیات زن و شوهر با اراده مرد یا به تقاضای زن و با شرایطی معین (نیازی، ارفعی، 1390: 6). طلاق شیوه ای نهادی شده در پایان دادن به پیوند زناشویی است هرچند راه های دیگری نیز غیر از آن وجود دارند هم چون ترک یکی از زوجین توسط دیگری یا جدائی توافق شده توسط زوجین. اما تفاوت طلاق با دو شیوه دیگر در این است که رسمیت دارد، توسط مقامات دولتی مورد کنترل قرار می گیرد، امکان ازدواج مجدد را فراهم می سازد و پیش بینی های لازم نظیر حضانت فرزندان در آن صورت پذیر است (ساروخانی، 1372: 1). خاتمه قانونی ازدواج، جدا شدن همسران از یکدیگر و از بین رفتن حقوق و تکالیف متقابلی که بین زوجین در هنگام ازدواج وجود داشته است عناصر کلیدی هر طلاق را تشکیل می دهد. طلاق به وجود آورنده تغییراتی در دوستی ها و سایر روابط اجتماعی زن و شوهر هاست. از اینرو، جنبه های گسترده این پدیده را حوزه های گوناگون از دیر باز مورد توجه و بررسی قرار داده اند و در باره آن آثار فراوانی خلق شده است. از

یکسو، طلاق یک پدیده روانی است زیرا نه تنها بر تعادل روانی دو انسان، بلکه بر روح و روان فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنان اثر می‌گذارد. همچنین پدیده‌ای اقتصادی است، چرا که به گسست یک واحد اقتصادی همچون خانواده می‌انجامد و اثراتی سهمگین در حیات اقتصادی اعضای آن بر جای می‌گذارد. بعلاوه، پدیده‌ای اثرگذار بر ابعاد کمی و کیفی جمعیت در یک جامعه است، زیرا بلحاظ کمی، خانواده را که تنها واحد مشروع و اساسی فرزندآوری است فرو می‌پاشد و بلحاظ کیفی نیز بخاطر تحویل فرزندان محروم از حمایت و هدایت خانواده که در بسیاری موارد باعث می‌شود فاقد شرایط لازم برای احراز مقام یک شهروند مسئول و وظیفه شناس در جامعه بشوند، کیفیت جمعیت را تحت تاثیر قرار می‌دهد. نهایتاً این که طلاق پدیده‌ای فرهنگی است بدین معنا که می‌تواند در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی به نسل بعد اختلال ایجاد نموده و در شناخت مسیر درست یا غلط، فرزندان را دچار سردرگمی نماید. وقوع طلاق هم می‌تواند صورت آشکار و رسمی به خود گیرد که طی آن خانواده فرو می‌پاشد و هم می‌تواند صورت پنهان به خود گیرد که در نتیجه آن، خانواده صرفاً، ساختار بیرونی‌اش حفظ می‌شود ولی در واقع از درون تهی است، یعنی حالتی از طلاق عاطفی که در آن زوجین بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند اما روابط عاطفی سازنده و مناسبی ندارند. معمولاً طلاق عاطفی پیش درآمد طلاق‌های رسمی و قانونی است بدین معنا که ابتدا دنیای فکری، عاطفی و روحی زوجین از یکدیگر گسسته می‌شود و با گذشت زمان این جدایی به حدی می‌رسد که در زیر یک سقف نیز نمی‌توانند همدیگر را تحمل کنند و بنابراین جدایی فیزیکی و قانونی بین آن‌ها شکل می‌گیرد. برخی مطالعات نشان می‌دهند در قرن نوزدهم تنها حدود 5 درصد از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شد ولی در قرن بیستم و امروزه حدود نیمی از ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود. محققان عواملی چون: افزایش استقلال اقتصادی زنان، کاهش درآمد مردان فاقد مدارج دانشگاهی، افزایش انتظارات اشخاص از ازدواج، کم‌سواد بودن زوجین، فقدان شغل مناسب، شیوع فقر، و بویژه پذیرش اجتماعی طلاق به رشد بی‌سابقه طلاق دامن زده است اما با این حال، بسیاری از زنان و خانواده‌های آن‌ها هنوز زندگی مشترک تحت شرایط طاقت‌فرسا را بر متراکه، تنهایی، کاهش منزلت اجتماعی و افزایش فقر ترجیح می‌دهند (سفیری، 1366: 68).

با رشد کمی و کیفی پدیده طلاق، امروزه دیگر واژه طلاق قبح گذشته را در میان انسان‌ها ندارد، دیگر چندان زشت و نکوهیده نیست و حتی بسیاری افراد آن را به عنوان یک انتخاب فردی در نظر می‌گیرند. گویا تحول و دگرگونی‌ها در ساختار خانواده شهری، زن و شوهرها را در مسیر نیازهای تازه‌ای قرار داده که برآورده شدن آن‌ها از طریق سنت‌های گذشته دیگر چندان میسر نیست. تکنولوژی‌های جدید، گسترش ارتباطات رسانه‌ای، رشد تبلیغات پیرامون زندگی مصرفی و تحرک اجتماعی شدید در جامعه شهرنشین، معضلات عمده‌ای نظیر طلاق را سرعت بخشیده و اثرات آن را بر اقشار مختلف جامعه پیچیده و در هم تنیده کرده است. در فضای جامعه شهری، انسان‌ها در گذر از ساخت سنتی به ساخت جدید با سرگردانی و حیرت درباره ارزش‌ها و هنجارهای قدیم مواجه اند و این شرایط، نگرش شهرنشینان را نسبت به طلاق سهل‌گیرانه‌تر می‌نماید.

در دو دهه قبل طبق آمار رسمی در ایران از هر هزار ازدواج حدود دویست مورد به طلاق منجر می‌شد (بهاری و میر ویسی، 1377) واقعیتی که نشان می‌دهد نسبت ازدواج به طلاق تنها 20٪ بوده است. اما از سال 1378 تا سال 1388 میزان طلاق دو برابر و در سال 1388 هر 4 دقیقه یک طلاق در ایران ثبت گردید که در این میان استان تهران هم‌چون سال‌های گذشته بیشترین تعداد طلاق ثبت شده را با بیش از 34 هزار مورد طلاق در سال 88 به خود اختصاص می‌داد. سن طلاق در مردان هم در این بازه زمانی کاهش یافته و به 27 سال رسید. البته باید توجه داشت که در بسیاری کشورها از جمله ایران، به علت گسیختگی پیوندهای عاطفی و اجتماعی، پدیده طلاق در میان شهرنشینان بیش از مناطق روستایی وجود داشته و خصوصاً شهرهای بزرگ بیش از شهرهای متوسط و کوچک از افزایش طلاق آسیب می‌بینند. طی سال‌های اخیر طلاق در کلان‌شهرهای ایران به‌ویژه پایتخت بسیار گسترده شده و این رشد روزافزون به جهت وجود بافت پیچیده شهری در آن محیط بسیار حائز اهمیت است زیرا غالباً تحولاتی که در پایتخت و کلان‌شهرها رخ می‌دهند هم‌چون یک موج دیر یا زود به دیگر نقاط یک کشور سرایت نموده و در آن‌ها نیز تغییراتی بوجود می‌آورند. با اندکی تامل می‌توان دریافت زنگ هشدار مدتهاست در پایتخت به صدا درآمده است زیرا آمارها نشان می‌دهند در سال 1398 نسبت ازدواج به طلاق در استان تهران حدود 46 درصد بوده است یعنی به ازای 68592 مورد ازدواج ثبت شده، تعداد 31733 طلاق رخ داده است (منبع؟..... نویسنده. سال: صفحه). در پایتخت کشور، هر روز بر تعداد مراجعان به مراجع قضایی برای ارائه دادخواست طلاق به ویژه از سوی زنان افزوده می‌شود، و این روند طبعاً سوالاتی درباره علل و ابعاد این طلاق‌ها و این که چرا والدین در هنگام جدایی به سرنوشت نامعلوم و آینده فرزندان خود نمی‌اندیشند در ذهن‌ها شکل داده و انسان را به جستجو و تحقیق وا می‌دارد. باتوجه به نقش و اهمیتی که استان تهران - که پایتخت را در خود جای داده است - در اشاعه بسیاری از الگوهای رفتاری در سطح کشور داشته و دارد، مطالعه طلاق و برخی ابعاد آن به‌ویژه در سال‌های نزدیک در دستور کار این تحقیق قرار گرفته است.

مبانی نظری

در ادبیات جامعه‌شناختی نظریات متنوعی پیرامون ابعاد گوناگون طلاق ارائه شده است. میلز (1976) اساساً طرح موضوعی مانند طلاق را به عنوان یک مسئله اجتماعی مستلزم تبدیل آن از رفتاری‌های خصوصی به یک مسأله عام در ساختار اجتماعی می‌داند، چرا که رفتاری‌های خصوصی ناشی از شخصیت فرد و رابطه‌ی نزدیک با آن است اما مسائل اجتماعی اموری اند که از یکسو بر شرایط و زندگی خصوصی افراد حاکمند و از سوی دیگر به شرایط، سازمان جامعه و چگونگی ساخت وسیع اجتماعی وابسته هستند (نیازی، ارفعی، 1390: 51). اما جورج هومنز (1961) با طرح نظریه مبادله اجتماعی،

عمدتاً روی دورانی تمرکز دارد که زندگی زناشویی منجر به طلاق می شود. در این دوره زوج ها روابط شان را کم کم براساس هزینه و فایده ارزیابی می کنند و کیفیت خوب بودن ازدواج بستگی به رضایت هریک از زوجین نسبت به سهم او در پاداش ها و هزینه ها دارد. پاداش ها شامل عشق، حمایت، مشارکت، امنیت عاطفی، ارتباطات اجتماعی و روابط جنسی است. علاقه، حمایت های مالی و کمک در کارهای روزانه نیز به همین میزان مهم است اما هزینه ها نیز هستند مانند مسئولیت و کارهای بیرونی، عادات رنج آور و یا محدودیت در آزادی و انتخاب فردی. در این دوران بخصوص، طبق این نظریه افراد به گونه ای رفتار می کنند که برای آن ها بیشترین فایده و کمترین هزینه را داشته باشد (برنتانو و کلارک، 1389: 46). **نام دقیق؟؟**

در نظریه کارکردی، طلاق علیرغم تلخ و منفی بودن دارای کارکردهای ویژه ای برای کل نظام اجتماعی است. پیش گیری از مشکلاتی چون: انحرافات جنسی، خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر، سرقت و... از جمله کارکردهای مثبت طلاق تصور می شود زیرا خانواده ای که در آن اختلاف و نزاع و مشاجره وجود داشته باشد طبعاً کانون مناسبی برای رفع نیازمندی های عاطفی، جسمانی، اقتصادی و روانی اعضای آن نیست و اگر فردی خود را مجبور به زندگی در چنین خانواده ای بیابد به انواع مشکلات و مسائل اجتماعی مبتلا می گردد. دیدگاه وجدان جمعی نیز از زاویه دیگری به مساله می نگرد. این دیدگاه، وجدان جمعی را یکی از مهم ترین ضمانت های تحقق اهداف و ارزش های جامعه می داند. شخص یا اشخاصی ممکن است هنجارهای جامعه را تحقیر کنند، اما در برابر وجدان جمعی، جز اطاعت راهی ندارند. به اعتقاد دورکیم، هر چقدر وجدان جمعی قوی باشد، خشم عمومی در مقابل هنجار شکنی حادتر است. اما با ضعیف شدن وجدان جمعی، ارزش های منفی منتسب به طلاق کاهش می یابد و دیگر جامعه افراد مطلقه را به عنوان مطرودین اجتماعی تلقی نمی کند و بدین ترتیب بر میزان طلاق افزوده می شود (ساروخانی، 1376: 89). از چشم انداز نظریه سیستمی، طلاق در چهارچوب نظامها و سیستمهای موجود در جامعه تحلیل می شود. به عبارتی، وقتی در خانواده ای طلاق اتفاق می افتد، این اتفاق هرچند در درون یک خانواده اتفاق افتاده است ولی نمی توان آن را بی ارتباط با نظام های بیرون از این چارچوب دانست. دست کم برخی از عوامل اختلال در روابط درون خانواده را می توان در بیرون از خانواده نیز جستجو کرد یعنی نظام های خویشاوندی، آموزشی، محل سکونت و کلا محیط اجتماعی می توانند مرتبط با طلاق بوده و در گسترش یا کاهش آن نقش تعیین کننده داشته باشند. خانواده به عنوان بخشی از یک نظام اجتماعی، اگر دچار مسئله ای شود باید توجه داشت که از یکسو متاثر از دیگر عوامل یک نظام اجتماعی بوده است و از سوی دیگر به نوبه خود بر سایر خرده نظام ها نیز تاثیر خواهد گذاشت (ریترز، 1386: 837).

نظریه برجسب چشم انداز دیگری در تحلیل این پدیده است. مطابق این نظریه، وقوع طلاق فرایندی است که غالباً توسط اطرافیان صورت می گیرد و عده ای از بیرون معمولاً زوج و زوجه را به سمت این مسئله سوق می دهند. اطرافیان به محض مشاهده کوچکترین اختلاف و یا حتی بواسطه برداشت هایی که خود از رفتار زن و شوهر ها دارند شروع به افشاء و بزرگ کردن مسئله و زدن برجسب هایی چون وجود اختلاف بزرگ و حل نشدنی، عدم تفاهم، مقصر شماری و... می کنند (نیازی، ارفعی، 1390: 60). چنین برخوردهایی از سوی اطرافیان - بویژه دوستان و خویشاوندان - همچون یک کاتالیزور عمل کرده و زن و شوهرها را مسیر طلاق شتاب می دهد.

نظریه مثلث عشق استرنبرگ نیز در تحلیل طلاق راهگشاست. در این نظریه سه مؤلفه عشق - شوق جنسی، صمیمیت، تعهد - به طرق گوناگون با هم ترکیب می شوند و از ترکیب آنها هشت نوع عشق و علاقه زناشویی بوجود می آید که عبارتند از: 1. رابطه غیرعاشقانه، یعنی رابطه ای که فاقد تعهد، صمیمیت و اشتیاق جنسی است. 2. عشق تهی، که تنها شامل تعهد، وفاقت صمیمیت و اشتیاق جنسی است. 3. دوست داشتن، که تنها شامل صمیمیت و فاقد تعهد و اشتیاق جنسی است. 4. شیفتگی، که تنها شامل اشتیاق جنسی و وفاقت تعهد و صمیمیت است. 5. عشق رومانتیک، که شامل صمیمیت و اشتیاق جنسی اما فاقد تعهد است. 6. عشق ابلهانه، که شامل تعهد و اشتیاق جنسی و فاقد صمیمیت است. 7. عشق مصاحبتی، که شامل تعهد و صمیمیت و فاقد اشتیاق جنسی است. 8. عشق کامل، که شامل هر سه مؤلفه تعهد، صمیمیت و اشتیاق جنسی است. با در نظر گرفتن گونه شناسی برآمده از نظریه عشق مثلثی استرنبرگ سرنخ هایی از طلاق عاطفی یعنی رابطه ای فاقد صمیمیت است بدست می آید و می توان دو نوع از هشت نوع رابطه تعریف شده توسط استرنبرگ، یعنی عشق تهی و عشق ابلهانه را طلاق عاطفی خواند (روشنی، 1389: 31). طلاق عاطفی طبعاً وضعیت شکننده ای را در خانواده ها ایجاد می کند که در بسیاری مواقع می تواند به جدایی بینجامد.

نهایتاً می باید به یکی از رویکردهای پیامد اندیش پیرامون طلاق یعنی نظریه خطر و تاب آوری اشاره داشت. این رویکرد از یکسو بر روی خطراتی تمرکز دارد که طلاق ایجاد می کند و از سوی دیگر بر روی توانایی افراد، به خصوص فرزندان در انطباق با این شرایط تلخ تکیه می کند. این نظریه نشان می دهد بعضی از کودکانی که طلاق را تجربه کرده اند مشکلات مهمی ندارند درحالی که بعضی دیگر شکست خورده و دارای مشکلات فراوانی هستند. از این چشم انداز، محققان عوامل مربوط به تاب آوری موفقیت آمیز گروه اول از بچه ها را جستجو کرده و دریافته اند که بچه های تاب آور خصوصیات فردی مهمی چون: هوش بالا، عزت نفس، شایستگی اجتماعی و... داشته و با روابط حمایتی از سوی خانواده، معلمان و همسالان محافظت شده و منابع اقتصادی و خدمات اجتماعی موثری در اختیار دارند. این عوامل محافظت کننده، اثرات مضر شرایط و رویدادهای نامساعد همراه با طلاق را تعدیل می کنند. امروزه به طور فزاینده ای از رویکرد خطرو تاب آوری به عنوان یک چارچوب سودمند جهت فهم پیامدهای بلندمدت طلاق والدین روی رشد کودکان و توانایی فردی آنان برای کنار آمدن با خود طلاق، و با عوامل درون و برون خانوادگی آن استفاده می شود (برنتانو و کلارک، 1389: 52-53).

پیشینه تجربی پژوهش

چنانچه میدانیم، در زمینه طلاق پژوهشهای انجام شده بسیارند و هر پژوهش از زاویه ای به برخی ابعاد مساله پرداخته است از اینرو مروری اجمالی بر تعدادی از آنها مفید بنظر می رسد. به عنوان نمونه، آماتو و راجرز (1999) در یک مطالعه ملی بر روی 2033 نفر متاهل به بررسی نگرش به طلاق پرداختند. آنان دریافتند زوج هایی که نگرش سهل گیرانه نسبت به طلاق و جدایی دارند در طول زمان گرایش به تنزل کیفیت زندگی زناشویی نشان داده اما زوج هایی که نگرش سخت گیرانه ای نسبت به طلاق دارند، در طول زمان تمایل بیشتری به تقویت کیفیت زندگی زناشویی دارند. این الگو هم برای زندگی زناشویی کوتاه مدت و کسانی که زندگی مشترک بلند مدتی را داشته اند صادق است. (منبع؟؟) مارتین و پارشار (2003) نیز در پژوهشی متوجه شدند برخلاف دهه های گذشته که با افزایش سطح تحصیلات، نگرش به طلاق سهل گیرانه تر می شد و فارغ التحصیلان دانشگاهی بازترین نگرش به طلاق را داشته اند، اما در دهه اخیر فارغ التحصیلان دانشگاه بیش از دیپلمه ها، دبیرستانی ها و یا ترک تحصیل کردگان نسبت به طلاق نگرش سخت گیرانه ای دارند (منبع؟؟). همچنین، نتایج مطالعه کالمین¹ و همکارانش (2004) پیرامون طلاق نشان داده است افراد مذهبی که رفتارهایشان را اعتقادات آن ها تنظیم می کند، کمتر طلاق می گیرند و میزان طلاق در آن ها کم است و تنها تحت شرایط خاصی، ممکن است دست به طلاق بزنند. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که طرفداری زنان از هنجارهایی چون: آزادی طلبی و برابری طلبی به طور قابل ملاحظه ای میزان طلاق را افزایش می دهد. بویژه زمانی احتمال فروپاشی زندگی زناشویی در بالاترین حد قرار می گیرد که زوجین برای توسعه روابط بدیل و جایگزین فرصتهایی داشته باشند. بعلاوه مشخص شد که در جوامع صنعتی، پدیده زوج زیستی (زندگی مشترک بدون ازدواج) نقش تعیین کننده ای در تشدید روند صعودی میزان طلاق ایفا کرده است. شیوه زوج زیستی خصوصاً در بین کسانی بیشتر متداول است که قبلاً یک ازدواج ناموفق یا طلاق را داشته اند و اساساً به طلاق به عنوان یک راه حل برای خاتمه دادن به مشکلات زناشویی اعتقاد دارند. کسانی که تجربه زوج زیستی و نگرش ذکر شده را نسبت به طلاق ندارند، کمتر در معرض واقعه طلاق هستند (منبع؟؟).

در ایران نیز پژوهشهای متعددی در این زمینه صورت گرفته است که به برخی اشاره می شود. ابراهیم محمودی در سال 1390 طی پژوهشی پیرامون عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج دریافت که عواملی چون: اختلاف تحصیلی زوجین، مراد به خویشاوندان، فردگرایی در خانواده، میزان رضایت جنسی و عاطفی از همسر، اختلاف طبقاتی خانواده زوجین، میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج، دخالت اطرافیان در زندگی زوجین با گرایش آندو به طلاق ارتباط معناداری دارد. زهرا افشاری نیز در سال 1391 در پژوهشی با عنوان «مطالعه ای برخی عوامل جامعه شناختی موثر بر گرایش به طلاق» در شهر زنجان عواملی چون فردگرایی زنان، رشد عقلانیت زنان، تغییر هنجارهای جامعه، تجربه ای قبلی ازدواج یا طلاق زوجین، ازدواج مجدد همسر، سابقه ای طلاق اقوام زوجین، وضعیت مهاجرت زنان مورد مطالعه و مدت زمان اعتیاد همسر را با مساله گرایش زنان به طلاق مرتبط یافته است. در شهر کاشان نیز بابایی فرد و همکاران (1399) ضمن بررسی عوامل موثر برگرایش به طلاق در زن و شوهرهای کاشانی دریافتند بین متغیرهایی چون اختلاف نظر با همسر، میزان دخالت دیگران، ویژگیهای روان شناختی زوجین، مقایسه دوران تأهل با تجرد، انتظارات از نقش همسر و میزان دینداری زوجین با میزان گرایش به طلاق دارای یک رابطه همبستگی معنادار می باشد. از شهرهای کوچک که به پایتخت می آیم نیز مطالعات انجام شده به پاره ای عوامل دست یافته اند. از آنجمله قادری نیا در سال 1392 به بررسی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق و علل آن در شهر تهران پرداخته و با مطالعه 204 نفر از زنان و مردانی که در زمان پژوهش به دادگاه های خانواده جهت درخواست طلاق مراجعه کرده بودند متوجه شد که مهم ترین علل طلاق در مردان تهرانی را به ترتیب: مشکلات شخصیتی، عدم تعادل روحی، عدم تفاهم، فقدان بلوغ فکری و عاطفی و همچنین دخالت اطرافیان تشکیل می دهد ولی در زنان تهرانی این عوامل به ترتیب: دخالت اطرافیان، مشکلات شخصیتی، ناهماهنگی های روحی و بویژه اعتیاد اظهار شده است. توحید حسینی اصل نیز در تهران و در سال 1393 پژوهشی با عنوان «عوامل اجتماعی موثر بر افزایش طلاق در سال 1393» انجام دادو نتایج بررسی او نیز نشان داد به جز وضعیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی، مجموعه ای از متغیرهای اجتماعی و روانی نیز دارای رابطه ای معنادار با متغیر وابسته یعنی طلاق بوده اند. در مطالعه اسماعیل زاده (1393) با عنوان مرور سیستماتیک تحقیقات انجام شده در زمینه طلاق که یک نوع مطالعه اسنادی از نوع "فرا تحلیل کیفی" و یا "مرور سیستماتیک" بوده است نیز مشخص شد بیشتر طلاقها در تهران رخ داده و بیشتر مطالعات نیز در باره طلاق در این شهر انجام شده است.

غالب تحقیقات ذکر شده بر عوامل موثر بر طلاق تمرکز دارند. این پژوهشها به ما میگویند در محیط هایی چون اروپا و امریکا که نیازهای اولیه و اقتصادی برای بقاء خانواده ها تامین اصلی برهم زنده زندگی زناشویی را عمدتاً در عوامل فرهنگی همچون نوع نگرش، میزان دینداری، سطح تحصیلات و ارزشها و هنجارها باید جست. لیکن در تحقیقات داخلی، عوامل اجتماعی و اقتصادی پر رنگ تر بنظر می رسند. مراد به خویشاوندان، دخالتهای خویشاوندان، اختلاف طبقاتی زوجین، وضعیت اقتصادی خانواده، سابقه طلاق زوجین از جمله عواملی هستند که روی آنها بیشتر تاکید شده است. دیگر اینکه غالب تحقیقات مزبور به شیوه پیمایش و مطالعات میدانی انجام شده و چندان جدید نیستند، از اینرو پژوهش حاضر سعی در مطالعه اسناد و گزارشهای آماری بویژه در سالیان نزدیک دارد تا چهره تازه این پدیده را در مهمترین استان کشور یعنی تهران به تصویر بکشد. در حقیقت، اهداف متنوعی می توانست در زمینه

¹ Kalmijn

طلاق‌های این استان مورد بررسی قرار گیرد که خارج از ظرفیت و حوصله این نوشتار بودند اما از این میان برخی از اهداف که پژوهش حاضر در پی تحقق آن‌ها بوده است به شرح زیر ذکر می‌گردد:

1. شناسایی میزان عمومی طلاق طی سالهای اخیر در استان تهران
2. شناسایی میزان طلاق برحسب فصول و ماه‌های سال
3. شناسایی میزان طلاق برحسب سن زن و مرد هنگام جدایی
4. شناسایی میزان طلاق برحسب اختلاف سنی زوج نسبت به زوجه
5. شناسایی میزان طلاق برحسب سابقه زندگی زناشویی
6. شناسایی میزان طلاق در شهرهای استان تهران به تفکیک سن زن و شوهر

روش پژوهش

این پژوهش به وضعیت طلاق در استان تهران و شهرهای آن طی سال‌های دهه 90 هجری شمسی پرداخته است. نوع پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و روش تحقیق نیز روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد، روشی که در آن بر روی اطلاعات و داده‌های موجود مقایسه‌ها و تجزیه و تحلیل‌هایی صورت می‌گیرد. علت اصلی در انتخاب روش اسنادی وجود شرایط اپیدمی‌کرونا و دشواری انجام پیمایش در میان افراد جامعه بوده است. در این راستا داده‌های وقایع حیاتی جمعیتی از سایت اینترنتی سازمان ثبت احوال کل کشور و داده‌های آماری جمعیت استان تهران و شهرهای آن با مراجعه به سایت مرکز آمار ایران و بعضی گزارش‌های تحقیقاتی دیگر گردآوری و مورد استفاده قرار گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را عمدتاً داده‌های سرشماری‌های کل کشور طی سال‌های 1392 تا 1399 تشکیل می‌دهد. بنابراین در این مطالعه، هیچ داده‌ای به طور مستقیم تولید نشده، و به جای آن، برای تجزیه و تحلیل ابعاد طلاق، مجموعه‌ای از اطلاعات موجود در سایت مرکز آمار ایران استفاده شده است. نمونه تحقیق را گزیده‌هایی از آمارهای موجود طلاق در استان تهران آنهم بر اساس اهداف و سوالات تعیین شده در بر می‌گیرد. البته پژوهش حاضر هرچند از نوع تحقیقات اسنادی است اما ضمن بررسی کمی آمارهای موجود، یافته‌های این تحقیق در مقایسه با یافته‌های قبلی مورد بحث قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

استان تهران با جمعیتی بالغ بر 13 میلیون نفر، در حدود 6.5٪ از جمعیت 85 میلیونی کشور را تشکیل داده است اما در همین حال بنابر تازه‌ترین آمارها، 18.9٪ کل طلاق‌هایی که در ایران رخ می‌دهد مربوط به این استان بوده است (سالنامه آماری 1397، جدول شماره 2، ص 61). این بدان معناست که از هر 5 طلاق‌ی که در کشور رخ می‌دهد یکی مربوط به استان تهران است. داده‌های ثبت احوال نشان می‌دهد در سال 1399 نسبت ازدواج به طلاق در استان تهران 2 بوده است یعنی هم‌اکنون به ازای هر دو ازدواج تقریباً یک طلاق در این استان رخ می‌دهد. این درحالی است که در همان سال، میانگین کشوری شاخص ازدواج به طلاق 3 بوده است یعنی بطور متوسط 30٪ ازدواجها در کشور به طلاق منجر شده‌اند. چنین واقعیتی ما را بر آن داشته تا به برخی زوایای ناپیدای این مساله در استان تهران بپردازیم.

1. میزان عمومی طلاق

در نخستین گام، دریافت تصویری کلی از فراز و نشیب‌هایی که میزان عمومی طلاق طی سالیان نزدیک در استان تهران داشته است مد نظر قرار می‌گیرد. هر چند، مقایسه آماری میان استان تهران با روند طلاق در کل کشور نیز طبعاً ابعاد کاملتری از تصویر مربوطه را در اختیار می‌گذارد. با اقتباس از آمارهای منتشره سال 1398 سازمان ثبت احوال کشور، میزان طلاق در استان تهران و کشور بصورت مقایسه‌ای در جدول شماره یک ارائه شده است:

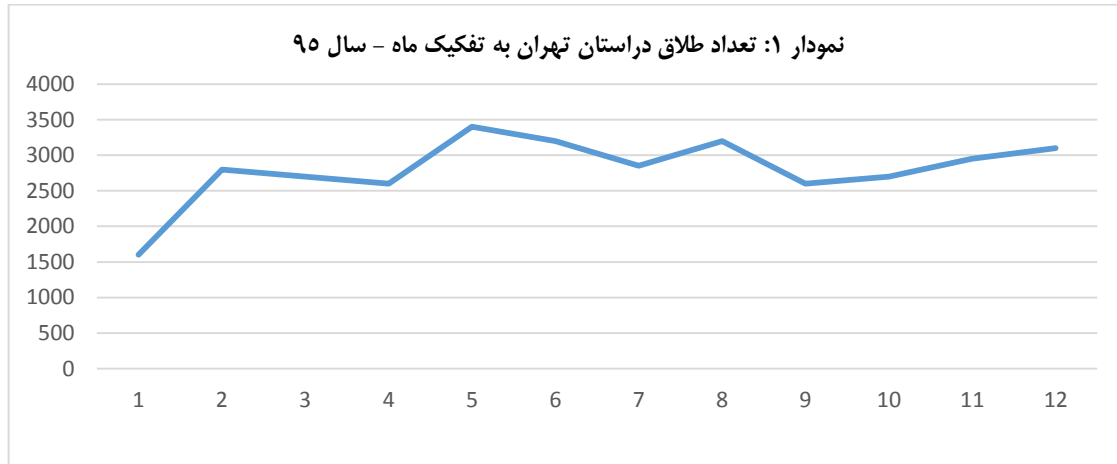
سال 1397	سال 1396	سال 1395	سال 1394	سال 1393	سال 1392	
2/2	2/3	2/2	2/3	2/3	2/2 (درهزار)	کشور
2/5	2/9	2/9	2/9	2/9	2/9	استان تهران

جدول شماره 1: میزان عمومی طلاق از سال 1392 تا 1397 در استان تهران (سالنامه آماری سال 1397: 93)

چنانچه در جدول شماره یک ملاحظه می‌شود استان تهران در سال‌های 92 تا 97 تقریباً روند ثابتی از طلاق را داشته اما در سال 1397 این روند اندکی کاهش یافته و از 2/9 به 2/5 در هزار نفر جمعیت رسیده است. روند طلاق‌ها در بازه زمانی ذکر شده در کل کشور نیز تقریباً ثابت باقی مانده و بین 2/2 تا 2/3 در هزار در نوسان می‌باشد. بدین ترتیب در طول سال‌های اخیر استان تهران ضمن برخورداری از نرخ طلاقی بالاتر از میانگین کشوری، گویا بار اصلی طلاق‌ها در ایران را بردوش کشیده است، پدیده‌ای که در کمتر استانی می‌توان مشابه آن‌را سراغ گرفت.

2. توزیع طلاق بر حسب فصول و ماه ها

حجم طلاقیهای ثبت شده در استان تهران - مانند هر استان یا شهر دیگری - در طول سال با نوساناتی روبروست. به عنوان نمونه، آمارها نشان می دهند در سال 1395 در استان تهران تعداد 33706 مورد طلاق به ثبت رسیده بود اما توزیع طلاق در ماههای مختلف سال یکسان نبوده بلکه در برخی ماهها و فصلها کمتر و در برخی به نقطه اوج می رسد. برای درک روشنتری از مساله، تعداد طلاق های ثبت شده برحسب ماه وقوع در استان تهران در سال 1395 در نمودار شماره 1 ارائه گردیده است:



منبع: سازمان ثبت احوال، سالنامه آماری 1395، ص 103

چنانچه در نمودار شماره یک ملاحظه می شود تعداد 33706 طلاق های استان تهران در سال 95 توزیع ناهمسانی در طول ماههای سال داشته و یک روند دارای فراز و نشیب را از ابتدا تا انتهای سال نشان می دهد. فصل بهار بویژه فروردین ماه دارای کمترین میزان طلاق، اما فصل تابستان بویژه مرداد ماه دارای بالاترین میزان طلاق بوده است. داده های تفصیلی حاکی از آن است که بطور متوسط در فروردین روزانه بیش از 50 مورد اما در مردادماه روزانه بیش از 100 مورد طلاق صورت می گیرد. ابتدای سال، تعداد طلاقها حجم نسبتا کمی را در مقایسه با بقیه ماهها نشان می دهد (تقریبا نصف ماه های دیگر) ولی در اردیبهشت ماه روند طلاق شتاب می گیرد. در ماه خرداد و تیر روند طلاق از یک ثبات نسبی برخوردار است اما در نیمه تابستان یعنی مرداد ماه تعداد طلاقها روند صعودی گرفته و به نقطه اوج می رسد هرچند تا آخر تابستان یعنی شهریور تا حدودی کاهش می یابد. در نیمه دوم سال، در مهر ماه طلاق روند نزولی داشته اما دوباره در آبان کمی افزایش و سپس تا آذر ماه دوباره کاهش پیدا می کند. از آذرماه به بعد تا آخرین ماه سال میزان طلاق ها در استان تهران یک روند افزایشی ملایمی را طی می کند لیکن با فرارسید عید نوروز و فروردین ماه شاهد افت شدید میزان طلاق ها هستیم.

3. توزیع طلاق بر حسب سن زوجین هنگام جدایی

شناخت سن و سالی که در آن مردان و زنان بیشتر در معرض خطر طلاق قرار دارند یکی از نکات مهمی است که می تواند در برنامه ریزی ها جهت عبور سالم و ایمن زنان و مردان جامعه از این مقطع زمانی حساس مفید واقع شود. بدون تردید توزیع طلاق در سنین پس از ازدواج برای مردان و زنان یکسان نیست بلکه در برخی سنین کمتر رخ داده ولی در برخی سنین به اوج خود می رسد. برای بررسی توزیع سنی طلاق و پی بردن به دوره زمانی حساس و پر خطر طلاق برای مردان و زنان، آمار طلاق برحسب سن و جنس در سال 1396 در مورد استان تهران مبنا قرار گرفته و در جدول دو ارائه شده است

سن طلاق گیرندگان استان تهران (1396)	مردان	زنان
15 - 19 سال	82 نفر	1752 نفر
20 - 24	1555	4241
25 - 29	5460	6862
30 - 34	8465	8376
35 - 39	7193	6102
40 - 44	4443	3399
45 - 49	3351	2290

1366	2301	50-54
769	1290	55-59
367	763	60-64
136	385	65-69
46	225	70-74
29	304	75 و بیشتر

جدول (2). سن طلاق گیرندگان در استان تهران به تفکیک جنسیت (سالنامه آماری 1396، جدول شماره 17، ص 199).

با توجه به نتایج جدول (2) از مجموع 35818 نفر مرد که در استان تهران در سال 1396 طلاق گرفته اند سهم مردان میانسال بویژه آنها که در سنین 30 تا 39 سال قرار دارند بیش از گروههای سنی دیگر است و بیش از 40٪ کل طلاقهای مردان مربوط به آنهاست. این نتیجه نشان می دهد در استان تهران، دوران پر خطر برای مردان در زندگی زناشویی سن 30-34 و سپس 35-39 سالگی است و اگر مردان متأهل بتوانند از این دوران به سلامت عبور کنند، پس از آن زندگی زناشویی شان با خطر فروپاشی کمتری روبرو خواهد بود. توزیع سنی طلاق ها در بین زنان نیز یکسان نبوده و نقطه ثقل طلاق زنان را می توان در سنین 30-34 سال و سپس 25-29 سالگی ملاحظه کرد. بیشترین طلاق در زنان - مشابه با مردان- در ابتدای میانسالی و در سن 30-34 سال صورت می گیرد، اما سن 25-29 سالگی نیز برای زنان متأهل تهرانی یک دوره پرخطر برای زندگی زناشویی است زیرا تعداد طلاق های آن در رتبه دوم قرار دارد. بدین ترتیب می توان گفت اینروزها "سن طلاق" یا همان پرخطر ترین دوران زندگی زناشویی مردان و زنان را در استان تهران سنین 30-34 سالگی تشکیل می دهد. در واقع، سن طلاق در استان تهران یک گروه سنی از سن طلاق در کل کشور بالاتر است زیرا در سال 1396، بیشترین طلاقها (37011 مورد) در کل کشور مربوط به گروه سنی 25-29 سالگی بوده است (سالنامه آماری 1396 جدول شماره 18، ص 202). نکته دیگری که نتایج جدول (2) بدست می دهد میزان طلاق نوجوانان بویژه دختران است که تقریباً 5٪ کل طلاقهای زنان در استان تهران را تشکیل داده است. این مساله حاکی از وجود واقعیت کودک همسری و ازدواجهای زود هنگام در دختران حتی در پایتخت است بطوریکه در سال 1397 هجری شمسی، 32/8 درصد زنان و 3/6 درصد مردان ازدواج کرده دارای سن و سال کمتر از 20 سال بوده اند (سالنامه آماری 1397: 71).

4. توزیع طلاق ها بر حسب فاصله سنی زوجین

فاصله سنی زن و شوهرها نیز در برخی مطالعات به عنوان یکی از عوامل وقوع طلاق شمرده شده است. اگر بپذیریم در هر سن و سالی انسانها از چشم انداز خاصی به مسایل پیرامون خود نگاه می کنند آنگاه می توان احتمال داد فاصله سنی زوجین شاید می تواند زمینه را برای عدم درک متقابل و فقدان زبان مشترک میان زن و شوهرها فراهم سازد. البته این پدیده در شهرهای مدرن و سنتی یکسان نیست چرا که فاصله سنی ممکن است در یک محیط سنتی دقیقاً برعکس یک محیط شهری بزرگ و مدرن عمل نماید یعنی در محیط سنتی ایجاد مشکل نکند اما در محیط مدرن خانواده را از هم بپاشد. کنکاش در این زمینه در استان تهران نیز یکی از اهداف تحقیق بوده است از اینرو، ابتدا نگاهی به آمارهای سال 1396 و نحوه توزیع طلاق ها بر حسب فاصله سنی زوجین در جدول شماره سه می اندازیم.

شوهر بزرگتر از زن	تعداد طلاق	زن بزرگتر از شوهر	تعداد طلاق
بیش از 20 سال	409 مورد	بیش از 20 سال	18 مورد
20-16 سال	503	20-16 سال	33
15-11	2263	15-11 سال	123
10-6	9243	10-6 سال	429
5-1 سال	15612	5-1 سال	2925
همسن و سال	4260 مورد		

جدول (3): توزیع طلاق بر حسب فاصله سنی زوجین (سالنامه آماری سال 1396: 481)

داده های جدول (3) نشان می دهد از مجموع 35818 مورد طلاق که در استان تهران طی سال 1396 صورت گرفته است بیشترین تعداد طلاق در زن و شوهرهایی صورت گرفته که شوهر بین یک تا 5 سال از زن بزرگتر بوده است. این نوع طلاق ها 43% کل طلاقهای استان تهران را در سالهای اخیر تشکیل می دهد. پس از این گروه، بیشترین طلاق ها را در زوجینی می توان دید که در آنها شوهر بین 6 تا 10 سال بزرگتر از همسر خود بوده زیرا سهم این گروه نیز در کل طلاقهای استان در حدود 26% می باشد که رقم بالایی است. اما میزان طلاق زن و شوهر های همسن و سال تقریباً 12% کل طلاقهای استان را تشکیل می دهد و به عبارتی می توان ملاحظه کرد از هر 2.5 طلاق یکی مربوط به فاصله سنی بین 1-5 سال، از هر 4 طلاق یکی مربوط به فاصله سنی 6-10 سال، و از هر 8 طلاق یکی مربوط به زن و شوهرهای همسن و سال است. جالب اینکه در زن و شوهر هایی که سن زن بین 1 تا 5 سال بزرگتر از شوهر بوده است نیز تعداد طلاقها بیش از بقیه گروههایی است که در آنها سن زن بزرگتر از شوهر می باشد.

5- توزیع طلاق بر حسب سابقه زندگی زناشویی

سابقه زندگی زناشویی و سالهایی که از تشکیل خانواده گذشته نیز یکی از عواملی است که بنظر می رسد بتواند در استحکام و یا عدم استحکام زندگی زناشویی و در نتیجه وقوع طلاق نقش ایفا کند. این مساله را با استناد به آمارهای منتشره در سال 1396 در جدول شماره چهار مرور می کنیم.

سابقه زندگی زناشویی	جمع	زیر 1 سال	1 سال	2 سال	3 سال	4 سال	5-9 سال	10-14 سال	15 سال و بیشتر
استان تهران	35818	3054	2922	2468	2236	2054	8026	5740	9318

جدول (4). تعداد طلاقهای ثبت شده برحسب سابقه زندگی زناشویی (سالنامه آماری سال 1396: 204)

طبق آمارهای جدول چهار می توان گفت در سالهای اخیر بیشترین طلاقهای استان تهران (26%) در زوجینی که 15 سال یا بیشتر با هم زندگی کرده اند رخ می دهد. به عبارتی، از هر 4 طلاق، یک مورد مربوط به زوجینی است که 15 سال و بیشتر زندگی زناشویی داشته اند و این واقعیتی تلخ و قابل تامل است. همچنین، سهم طلاقهایی که زوجین بین 5 تا 9 سال زندگی زناشویی مشترک داشته اند معادل 22% یعنی یک پنجم کل طلاقها در این استان بوده است که این واقعیت نیز تلخ و قابل کنکاش است. وقتی به جدول چهار می نگریم، ملاحظه می شود آمارهای طلاق در خانواده های تازه تاسیس - 1 تا 4 سال - چندان بالا نبوده و بین 5 تا 8% طلاقهای استان را تشکیل می دهد شاید بدین علت که در سالهای ابتدای زندگی زناشویی، معمولاً والدین فرزندان تازه ازدواج کرده خود را تحت حمایت های مختلفی قرار می دهند اما با گذشت زمان و مستقل تر شدن خانواده، شرایط اقتصادی چهره واقعی خود را بیشتر نشان داده و فشارهای مضاعفی بر زندگی زناشویی وارد می آورد.

6- توزیع طلاق بر حسب سن زوجین به تفکیک شهرهای استان تهران

از دیگر جنبه های قابل مطالعه در زمینه طلاق در استان تهران بررسی طلاق های ثبت شده بر حسب سن زوجین در زمان طلاق بویژه شهرهای آن است. در این راستا، در جدول پنج، ابتدا آمارهای سال 1396 پیرامون تعداد طلاق در شهرهای استان تهران را برحسب سن شوهران مرور می کنیم.

شهرستان	جمع	19-15 ساله	24-20 ساله	29-25 ساله	34-30 ساله	39-35 ساله	44-40 ساله	49-45 ساله	54-50 ساله	59-55 ساله	64-60 ساله	69-65 ساله
جمع	35818	82	1555	5460	8465	7193	4443	3351	2301	1290	763	385
اسلامشهر	1061	2	76	219	265	198	113	82	45	20	16	7
بهارستان	1431	13	142	349	347	241	145	88	57	23	14	3
پاکدشت	1128	8	92	266	286	215	108	67	39	19	7	5
پردیس	478	1	28	75	119	89	55	45	27	18	8	2
پیشوا	129	0	7	28	29	31	14	8	3	2	0	2
تهران	24435	26	687	3063	5717	5099	3174	2484	1832	1035	617	311
دماوند	126	0	4	17	27	26	14	18	7	5	3	2
رباط کریم	1081	11	113	276	237	188	97	80	37	18	10	5
ری	1745	4	94	311	426	363	197	151	83	40	29	20

1	0	2	5	6	7	7	6	3	2	0	41	شمیرانات
10	30	45	76	125	179	274	388	311	116	3	1569	شهریار
0	0	1	0	3	3	6	3	4	4	0	24	فیروزکوه
6	6	11	15	44	82	141	160	141	41	6	659	قدس
2	3	9	20	28	72	95	128	109	61	4	533	قرچک
3	10	28	33	73	94	119	147	126	42	2	685	ملارد
6	10	14	22	49	89	101	180	162	46	2	693	ورامین

جدول (5): توزیع طلاق در شهرهای استان برحسب سن شوهر (سالنامه آماری سال 1396: 573)

باتوجه به جدول (5) ملاحظه می شود توزیع طلاق در سالهای اخیر در شهرهای استان تهران یکسان نبوده است. مطابق انتظار، در شهر تهران بیشترین میزان طلاق ثبت شده را شاهد هستیم اما شهر فیروزکوه با 24 مورد و سپس شمیرانات (لواسانات، اوشون، فشم، لشگرک و...) با 41 مورد، کمترین میزان طلاق را داشته اند. در اکثر شهرهای استان تهران - به استثنای رباط کریم و شهرک بهارستان - نقطه ثقل طلاق ها در سن 30-34 سالگی است اما در این دوشهر سن طلاق بین 25-29 سالگی بوده است. دیگر آنکه، در برخی از شهرهای استان شاهد طلاقهای نوجوانان زیر 19 ساله هستیم که هرچند تعداد آن زیاد نیست (82 مورد) اما قابل تامل است. همچنین طلاق مردان که سنسال نیز جالب توجه است زیرا 5% طلاقهای شهر تهران، و حدود 4% طلاقهای شهر ری و اسلامشهر را طلاق سالمندان 60 ساله و بیشتر تشکیل داده اند. در شمیرانات و فیروزکوه، طلاق سالمندان تقریباً به چشم نمی خورد. در کنار طلاق در شهرها بر حسب سن شوهر، بررسی طلاق های ثبت شده بر حسب سن زوجه (زن) نیز جنبه جالب دیگری از مساله را تشکیل می دهد. از اینرو، با استناد به آمارهای سالنامه آماری 1396 مندرج در جدول شش به توصیف این مساله می پردازیم.

شهرستان	جمع	14-10	15-	20-	25-	30-	35-	40-	45-	50-	55-	60-	65-
سال	ساله	ساله	ساله	ساله	ساله	ساله	ساله	ساله	ساله	ساله	ساله	ساله	ساله
جمع	35818	83	1752	4241	6862	8376	6102	3399	2290	1366	769	367	136
اسلامشهر	1061	2	93	185	214	243	139	83	58	20	14	6	3
بهارستان	1431	16	187	268	326	272	159	95	53	26	18	8	1
پاکدشت	1128	8	118	211	224	273	148	66	36	25	12	3	1
پردیس	478	1	28	82	94	103	64	45	31	13	9	4	2
پیشوا	129	0	7	26	32	29	18	7	5	3	1	1	0
تهران	24435	11	654	2256	4526	5967	4550	2520	1765	1105	615	293	115
دماوند	126	0	2	19	22	27	20	17	9	4	4	1	0
رباط کریم	1081	14	151	226	223	191	127	62	46	23	11	6	1
ری	1745	6	133	252	324	397	282	167	84	48	24	20	5
شمیرانات	41	0	1	4	5	10	7	5	5	1	2	0	1
شهریار	1569	11	129	262	330	338	208	129	78	37	31	11	4
فیروزکوه	24	0	3	7	2	6	3	1	1	0	1	0	0
قدس	659	3	56	111	157	143	92	52	28	8	3	4	2
قرچک	533	5	67	98	101	103	86	37	20	11	3	1	0
ملارد	685	2	56	108	122	141	103	64	49	25	10	4	0
ورامین	693	4	67	126	160	133	96	49	22	17	11	5	1

جدول (6): توزیع طلاق در شهرهای استان تهران برحسب سن زوجه یا زن (سالنامه آماری سال 1396: 599)

داده های جدول 6 نشان می دهد هرچند بیشتر طلاقهای استان تهران در سنین 30-34 سالگی رخ می دهد اما از این میان در شش شهر بنام های بهارستان، رباط کریم، ورامین، پیشوا و شهرک قدس یا قلعه حسن خان قدیم، نقطه ثقل طلاق زنان در سنین 25-29 سالگی است. فیروزکوه و سپس شمیرانات همچنان کم تعداد ترین موارد طلاق زنان طلاق ولی شهر تهران پرتعدادترین موارد را در سال 1396 به خود اختصاص داده اند. در برخی از شهرهای استان تهران، طلاق های زیر 15 ساله به چشم می خورد که غم انگیز است و در این رابطه، بهارستان، رباط کریم و شهریار به ترتیب بیشترین

طلاقهای زیر 15 ساله زنان را شاهد بوده اند. البته موارد ذکر شده شامل طلاق های ثبت شده است زیرا در بسیاری اوقات ممکن است ازدواج و طلاق های دختران کم سن و سال اساساً ثبت رسمی نشود.

نتیجه گیری:

این تحقیق نگاهی به وضعیت طلاق در استان تهران و شهرهای آن طی سال‌های اخیر یعنی دهه 90 شمسی دارد. نوع پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی، روش تحقیق نیز مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، و علت اصلی در انتخاب این روش وجود شرایط اپیدمیکی بیماری کرونا و دشواری انجام پیمایش در میان افراد جامعه بوده است. اطلاعات لازم به صورت مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری و داده‌های وقایع حیاتی جمعیتی از سایت اینترنتی سازمان ثبت احوال کل کشور، داده‌های آماری جمعیت استان تهران و شهرهای آن از طریق مراجعه به سایت مرکز آمار ایران و بعضی مقالات و کتاب‌ها و گزارش‌های تحقیقاتی دیگر جمع‌آوری و مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش به دنبال دستیابی به پاسخ سوالاتی درباره وضعیت طلاق و برخی ویژگیهای آن در استان تهران بویژه در سال‌های اخیر بوده ایم.

براساس یافته‌های بدست آمده، مشخص شد استان تهران با میزان طلاق 2.5 در هزار که بالاتر از میزان طلاق کشوری است در حقیقت سهم اصلی این پدیده را به خود اختصاص داده است. طلاق‌های این استان تهران توزیع ناهمسانی در فصل‌ها و ماه‌های سال داشته است بگونه‌ای که مثلاً بر اساس داده‌های سال فصل بهار بویژه 1395 اولین ماه سال یعنی فروردین دارای کمترین، اما تابستان و بویژه مردادماه دارای بالاترین میزان طلاق بوده است. در فروردین روزانه بیش از 50 مورد اما در مردادماه روزانه بیش از 100 نفر یعنی دوبرابر بیشتر از فروردین در این استان طلاق صورت می‌گیرد. بدین ترتیب فصل طلاق‌ها در استان تهران فصل تابستان است اما این‌که چرا فصل گرما فصل طلاق است شاید از زوایای گوناگونی قابل توضیح باشد. در استان تهران، شلوغی، آلودگی هوا، ترافیک، ناامنی فزاینده و... در فصل تابستان با گرمای آزار دهنده‌ای ترکیب شده و غلیان عواطف و احساسات منفی در چنین شرایطی می‌تواند بسیار سریع به نقطه اوج خود برسد بگونه‌ای که هر مشکل کوچکی را - در خیابان، خانه و محیط کار- به نزاعی جدی تبدیل نماید. بعلاوه، تابستان فصل تعطیلات و حضور پررنگتر اعضای خانواده بویژه مردان در محیط خانه نیز هست. این حضور علیرغم فوایدی که دارد، بسیاری اوقات اختلاف نظر و تنش‌های زن و شوهری را بر سر مسایل جزئی و گوناگون تشدید کرده و زمینه را برای شکاف زناشویی هموار می‌سازد. این در حالی است که در بقیه فصول سال بواسطه اشتغال به کار یا تحصیل، حضور کم‌رنگ اعضای خانواده در منزل، امکان تصادم و برخورد سلیقه‌ها و منافع را کاهش می‌دهد. در فصول و ماههای کاری، خانه‌ها در حقیقت بیشتر محل استراحت موقت و تجدید قوای دوباره هستند. از سوی دیگر، در تابستان بسیاری از زوجین در تعطیلی یا مرخصی سالیانه به سر برده و امکان پیگیری قانونی طلاق برای‌شان نسبت به دیگر فصل‌های سال ساده‌تر است، بنابراین مراحل قانونی ثبت و تکمیل فرایند طلاق در فصل تابستان به سرانجام می‌رسد اما در دیگر فصول سال به دلیل اشتغال زوجین، مدرسه فرزندان و ... امکان پیگیری و به پایان رساندن مراحل اداری و قانونی طلاق دشوارتر خواهد بود.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که اینروها "سن طلاق" یا همان پرخطرترین دوران زندگی زناشویی مردان و زنان را در استان تهران سنین 30-34 سالگی تشکیل می‌دهد و سن طلاق در استان تهران یک گروه سنی از متوسط سن طلاق در کل کشور (25-29 سال) بالاتر است. طلاق نوجوانان بویژه دختران که تقریباً 5٪ کل طلاق‌های زنان در استان تهران را تشکیل می‌دهد حاکی از وجود واقعیت کودک همسری و ازدواجهای زود هنگام در دختران حتی در پایتخت است. آمارهای سازمان ثبت احوال نشان می‌دهد تنها در سال 1396 تعداد 12735 دختر 15-19 ساله، 1339 دختر 10-14 ساله و حتی 13 دختر کمتر از 10 ساله در استان تهران ازدواج کرده و به ثبت رسانده اند (سالنامه آماری 1396: 194). بسیاری محققان برای باورند که ازدواج زودرس، نوعی خشونت است و در تعارض با حقوق انسانی قرار دارد، زیرا اغلب این نوع ازدواجها خارج از اراده دختر بوده و نوعی ازدواج اجباری اند آنها اجبار از سوی خانواده‌ها که به نوبه خود عوارض منفی روحی، اجتماعی، جسمی و... برای دختران به همراه دارد. بدون تردید عوامل مختلفی باعث کودک همسری می‌شوند اما در این میان شاید بتوان فقر را مهمترین عامل برای این شیوه ازدواج و بویژه نابودی آینده این کودکان دانست. طی سالهای گذشته، افزایش تورم، بی‌ارزش شدن پول ملی، نابسامانی اشتغال و اوضاع اقتصادی همراه با فقر فراگیر و گسترده خانواده‌های ایرانی زمینه مساعدی را برای افزایش قابل توجه کودک همسری آن‌هم بیشتر در مناطق محروم حتی در حواشی پایتخت فراهم کرده است. عموماً مردانی با سن وسال بالا دخترانی از خانواده‌های فقیر را بجای خواستگاری خریداری می‌کنند، هم به وام ازدواج دست می‌یابند و هم همسری نوجوان بدست می‌آورند، هرچند که کمبود مالی خانواده دختر هم تا اندازه‌ای رفع می‌شود. نتایج چنین ازدواج‌هایی پیدایش پدیده کودک-مادری است زیرا کودکانی که بچه دار میشوند، مادرانی هستند که خود طبق تعاریف قانون و عرف هنوز کودک محسوب می‌شوند اما باید بار بزرگ کردن فرزند یا فرزاندانی را سالها به دوش بکشند، از اینرو، این ازدواج‌ها دوام چندانی ندارند و عموماً پس از چندی به جدایی، فرار و یا خودکشی می‌انجامند.

بلحاظ فاصله سنی زوجین، نتایج نشان داد بیشترین موارد طلاق مربوط به زوجینی است که در آنها شوهر 1-5 سال از زن بزرگتر است، و پس از آن مواردی که شوهر 6-10 سال بزرگتر از همسرش بوده قرار می‌گیرد. میزان طلاق در زن و شوهرهای همسن و سال بسیار کمتر است که نشان می‌دهد در

استان تهران بویژه پایتخت، زندگی زناشویی بین زن و شوهرهایی که یک یا دو گروه سنی با یکدیگر فاصله سنی دارند به لحاظ یافتن زبان مشترک و رسیدن به فهم متقابلی از مسایل پیرامونی چندان آسان نبوده و با بیشترین چالش‌ها روبروست اما در زن و شوهرهای همسن و سال و عموماً جوان، آنهم در محیط شهری و مدرن و متغیر پایتخت، دستیابی به زبان مشترک آسانتر و در نتیجه این چالشها کم‌رنگ تر می‌نماید.

از منظر سابقه زندگی زناشویی که بنگریم، نتایج پژوهش نشان داد متأسفانه در سالهای اخیر بیشترین طلاق‌های استان تهران در زوجینی با سابقه زناشویی بالا رخ می‌دهد زیرا مثلاً در سال 1396 از هر 4 طلاق، یک مورد مربوط به زوجینی است که 15 سال و بیشتر زندگی زناشویی داشته‌اند. سهم طلاق‌هایی که زوجین بین 5 تا 9 سال زندگی زناشویی مشترک داشته‌اند نیز یک پنجم کل طلاق‌ها در استان را تشکیل می‌دهد که واقعیتی تلخ و قابل کنکاش در تحقیقات آینده است. اینکه در سالهای اخیر، چرا در خانواده‌های تهرانی آن هم با سابقه زندگی زناشویی زیاد آمار طلاق بالاست طبعاً عوامل متعددی را از جمله هزینه‌های اقتصادی به ذهن متبادر می‌سازد. هزینه‌های زندگی در تهران طی ده سال اخیر آنقدر افزایش یافته‌اند که بسیاری از سرپرست‌های خانوار را از تامین نیازهای اولیه همسر و اعضای خانواده ناتوان کرده است. اگر در یکی دونسل قبل، سالهای اولیه زندگی زناشویی پرتنش‌ترین دوران زن و شوهرها تلقی می‌شد، این روزها شرایط اقتصادی اجتماعی حتی خانواده‌های با سابقه را نیز به سطح زیر خط فقر برده و زیر فشارهای خود خورد می‌کند و یکی یکی فرو می‌پاشد زیرا با این قیمت‌ها، انتظارات اولیه اعضای خانواده‌ها نیز برآوردنی نیست. در سالهای آغازین زندگی زناشویی، معمولاً والدین از فرزندان تازه ازدواج کرده خود حمایت می‌کنند اما با گذشت زمان و مستقل شدن خانواده تازه تاسیس، شرایط اقتصادی چهره واقعی خود را بیشتر نشان داده و فشارهای مضاعفی بر زندگی زناشویی وارد می‌آورد.

نهایتاً اینکه توزیع طلاق مردان و زنان در شهرهای استان تهران یکسان نیست، یعنی در شهر تهران بیشترین میزان طلاق اما در فیروزکوه و سپس شمیرانات (لواسانات، اوشون، فشم، لشگرک و...) کمترین میزان طلاق را شاهدیم. در اکثر شهرهای استان تهران نقطه ثقل طلاق مردها در سن 30-34 سالگی است اما در دو شهر رباط کریم و بهارستان، سن طلاق مردها بین 25-29 سالگی است. طلاق مردان سالمند نیز جالب توجه است زیرا 5٪ طلاق‌های شهر تهران، و حدود 4٪ طلاق‌های شهر ری و اسلامشهر را طلاق سالمندان 60 ساله و بیشتر تشکیل داده‌اند ولی در شمیرانات و فیروزکوه، طلاق سالمندان تقریباً به چشم نمی‌خورد. اما در ارتباط با زنان باید گفت در شهرهای بهارستان، رباط کریم، ورامین، پیشوا و شهرک قدس یا قلعه حسن خان قدیم، نقطه ثقل طلاق زنان در سنین 25-29 سالگی است. فیروزکوه و سپس شمیرانات همچنان کم‌تعدادترین موارد طلاق زنان طلاق ولی شهر تهران پرتعدادترین موارد را در سال 1396 به خود اختصاص داده‌اند. در برخی از شهرهای استان تهران، طلاق‌های زیر 15 ساله به چشم می‌خورد که غم‌انگیز است و در این رابطه، بهارستان، رباط کریم و شهریار به ترتیب بیشترین طلاق‌های زیر 15 ساله زنان را شاهد بوده‌اند. بدین ترتیب، برخی از خصوصیات طلاق که در سالهای اخیر در استان تهران نمایان شده است را می‌توان در سیمای آمار و ارقام ملاحظه نمود.

منابع

- آقاجانی مرسا، حسین. عوامل مؤثر بر طلاق برحسب طبقه اجتماعی. فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، شماره 2، ص 31-64
- امیرخسروی، ارژنگ (1380) مرور مقدماتی آمارهای طلاق ده ساله اخیر کشور. فصلنامه جمعیت/شماره 35-36، ص 27-70
- افشاری، زهرا (1391). مطالعه برخی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر گرایش به طلاق (مورد مطالعه زنان متاهل شهر زنجان)، پایان‌نامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی
- اسماعیل زاده، علی‌اصغر، بقایی، علی، عمیدی، شهلا (1393). مرور سیستماتیک تحقیقات انجام شده در زمینه طلاق، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره 14، شماره 27
- بابایی فرد، اسدالله، سعادت، موسی، اخوان، افسانه (1399). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به طلاق در میان زوجین شهر کاشان، فصلنامه جامعه‌شناسی و مدیریت سبک زندگی، سال پنجم، شماره سیزدهم، صفحات 119-151
- بهاری، فرشاد و میروسی، لیلی (1377). گونه‌شناسی طلاق و سیر آن. مجله پیام، مشاوره 4، ص 43-51
- باستانی، ربابه (1374)، طلاق، نشر تندیس
- حسینی اصل، توحید، (1393). عوامل اجتماعی مؤثر بر افزایش طلاق در سال 1393 (مطالعه موردی مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده در منطقه 5 تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی
- چلبی، مسعود (1375). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نی.

- روشنی، شهره(1389). **طلاق عاطفی: زمینه ها و پیامدها**. پاینامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان، به راهنمای دکتر سوسن باستانی و دکتر محمود گلزاری، دانشگاه الزهرا(س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی
 - ریترز، جورج.(1386). **نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
 - سفیری، خدیجه.(1366). **تحول خانواده در ایران طی سی سال اخیر**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
 - ساروخانی، باقر(1370). **دایره المعارف علوم اجتماعی**، تهران: کیهان
 - ساروخانی، باقر(1372). **طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن**، انتشارات دانشگاه تهران
 - شعبانی، سعید(1392). **بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه شناختی مرتبط با آن**. پاینامه کارشناسی ارشد، به راهنمای دکتر توکل آقایی رهبر و دکتر فاطمه گلایی. دانشگاه الزهرا(س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی
 - صدیق ارفعی، فریبرز، نیازی، محسن(1388). **روانشناسی طلاق**. تهران: دعوت
 - صمدی کاشان، سحر؛ جعفری، فاطمه؛ محمود پور، عبدالباسط؛ قاسم زاده، سوگند (1397). **پیش بینی گرایش به طلاق و احساس تنهایی بر اساس سبک های دلبستگی با توجه به نقش میانجی گری خودمتمایز سازی**، فصلنامه علمی پژوهش های مشاوره، دوره 17: شماره 68، صص 128-151
 - طاهری بنچناری، رویا، آقاجانی مرساء، حسین، کلدی، علیرضا، واکاوی پدیده طلاق، ریشه ها و پیامدها در شهر تهران 1395. دوره نهم، شماره دوم، ص 139-164
 - علی احمدی، امید(تاریخ دریافت 96/02/16، تاریخ پذیرش 97/02/15) **گونه شناسی خانواده های تهرانی از منظر خطرپذیری طلاق**. **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره ی یازدهم، شماره 3، پاییز 1396؛ 33-54
 - عنایت، حلیمه، پنجه بند، سیدیوسف(1394)، **کاوش بسترها و پیامدهای اختلالات جنسی در فرآیند طلاق: براساس رویکرد گراند تئوری**. ارمان دانش، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، دوره 20، شماره 12
 - قادری نیا، کوهسار (1392). **بررسی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق و علل آن در شهر تهران**، پاینامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی
 - **کرنلیا برنتانو، استوارت، کلارک، آلیسون(1389). علل و پیامدهای طلاق**. مترجمان: سعیدصادقی، مجتبی ناجی، محمود محمدزاده (ناشر؟؟)
 - محمودی، ابراهیم(1390). **بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج**، پاینامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه یاسوج
 - **نفیسه کریمیان، اصفهان: پیغام دانش (مشخصات کامل؟؟)**
 - نیازی، محسن، صدیق ارفعی، فریبرز(1390). **جامعه شناسی طلاق**، تهران: سخنوران، رشدآوران
 - واحدی، قدرت الله(47/6/11)، **طلاق**. موسسه انتشارات آسیا
1. Amato, Paul & Rogers, s.(1999): "Do attitude towards divorce affect marital quality?" Journal of Family Issues, Vol. 20, No.1.
 2. Martin Steven P.¶shar, Sangeeta(2003): "An education crossover in divorce attitudes" Department of sociology and Maryland Population research center, University of Maryland, College Park.
 3. Stak, Steven & Elena Bandowski.(1994). "Divorce And Drinking: An Analysis of Russian Data", Journal of Mariage And The Family, Vol. 56, 805-812.
 4. Kalmijn, M. ,& Others (2004) Interaction between cultural and economic determinants of divorce in the Netherlands . Marriage and Family,66 (1):75-89.

***لطفا با مطالعه متن مقاله، منابعی را که رفرنس داده شده حفظ کنید اما منابعی که در متن وجود ندارند یا قبلا بوده اند ولی طی اصلاحات حذف شده اند را از لیست منابع پایانی حذف کنید.**